

البيعة لله

البيعة لله

نکته‌ها

البيعة لله

البيعة لله



البيعة لله

البيعة لله

بایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

درسی که از حسین آموختیم

نویسنده نکته:

الهام مهدوی

بسم الله الرحمن الرحيم



سلام بر آزاد مرد تاریخ؛ سلام بر حسین؛ سلام بر آموزگار مکتب خونین کربلا که با سرخی خورش بر برگه‌های تاریخ، پیام آمدن عدالت‌گستر جهان را نوید داد و سلام بر منتقم خون او مهدی موعود.

خواهر و برادر مسلمانان! من و شما، حسین و خاندان ارجمندش را می‌شناسیم، اما بیایید باری دیگر این شناسنامه‌ی مطهر را مرور کنیم. پس بشنوید خطبه‌ی حسین بن علی (ع) را که می‌فرماید: من آمده‌ام برای زنده کردن مردم نه برای کشتنشان؛ من آمده‌ام به مردم حیات ببخشم نه اینکه از حیات ساقطشان کنم؛ من آمده‌ام برای بهشتی کردن مردم نه به جهنم گسیل کردنشان؛ من آمده‌ام که خلائق را از جهالت برهانم و به رستگاری برسانم، نه این که به زور نیزه و ضرب شمشیر بر آنان حکومت کنم. اگر اراده‌ی الهی درباره‌ی مردم، هدایت به زور و با اکراه بود و اگر اراده‌ی خدا هدایت آنان به هر قیمتی بود، تحقق آن برایش بسیار آسان بود. این زبان حال حسین بن علی (ع) است: آن طلب که در «هل من ناصر ینصرنی» است، برای یاری من نیست، بلکه من مردم را به یاری خودشان فرا خواندم؛ من مردم را به یافتن خودشان دعوت کردم؛ من آن سرشت الهی مردم هستم که در دشت غفلتشان فراموش شده‌ام؛ من آن «فطرت الله» هستم که «فطر الناس علیها»؛ من آن خود حقیقی مردم هستم که مهجور مانده‌ام؛ من آمده‌ام تا آن پیمان پیشین مردم را و آن پاسخ «الست برّکم» را به یادشان بیاورم. ای مردم! «ارجعوا إلی انفسکم و عاتبوا»؛ به خود باز گردید و به خویشتن رجوع کنید و از

فطرت و وجدانتان پرسید که آیا کشتن من برای شما رواست؟ آیا خانواده و اهل بیتم سزاوارند به هتک حرمت؟ مگر من فرزند پیامبر شما نیستم؟ مگر من فرزند وصی و پسر عموی پیامبرتان نیستم؟ مگر پدر من اولین ایمان آورنده و تصدیق کننده‌ی پیامبر شما نیست؟ آیا پیامبر اکرم (ص) درباره‌ی من و برادرم نفرمود: این دو فرزند من سیّد جوانان اهل بهشتند؟

من فرزند آن پدری هستم که حاضر نبود حکومت بر جهان‌های هفت گانه را بپذیرد به بهای آنکه پوست جویی را به ستم از دهان مورچه‌ای بگیرد و فرمود: «به خدا سوگند اگر هفت اقلیم جهان را به من بسپارند و مرا بر هر چه در زیر آسمان است حاکم کنند در ازای اینکه پوست جویی را از دهان مورچه‌ای به ستم بستانم نمی‌پذیرم». پس اینک من برخاسته‌ام که امتّ جدّم را به مسیر درست بازگردانم: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي»؛ چراکه اکنون باورهای مردم به دین جدّم سست شده و کاروان امتّش از صراط مستقیم انحراف یافته و من آمده‌ام که این کاروان گم شده را به مسیر سعادت و رستگاری برگردانم.

مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌شود؟ و مگر نمی‌بینید که فضایل اخلاقی در میان امتّ اسلام مضمحل شده و جای خود را به ردائیل بخشیده است؟ پس در این شرایط من از جا بر می‌خیزم تا اگر بتوانم حکام فاسد و ستمگر را سر جایشان بنشانم. البته ابتدا آنان را به راه صلاح و فلاح فرا می‌خوانم و از عقوبت اعمال شیطان‌مدار و هلاکت آثارشان می‌ترسانم. من تلاش می‌کنم که سنتّ امر به معروف و نهی از منکر را در میان امتّ جدّم احیا و تثبیت و ترویج کنم. تلاش می‌کنم که با بلندترین صدا به گوش آیندگانی که مرا امام خود می‌دانند و تبعیّت از مرا فریضه می‌شمارند برسانم که در چنین شرایطی موظفند همانند من عمل کنند؛ زیرا اگر موفق شوند دیگران را از انحراف و ظلم و اجحاف باز دارند که در این صورت به تکلیف خود عمل کرده‌اند و خیر و سعادت هر دو جهان را به کف آورده‌اند و اگر موفق نشوند حق ندارند که تن به ذلّت دهند و دست بیعت در دست ستمگران بگذارند؛ چنانکه حسین (ع) فرمود: «در چنین شرایطی به الله سوگند که نه حاضرم دست بیعت به شما بسپارم و نه چون بردگان از مقابلتان بگریزم».

ای مردم همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها! خون مرا بر تارک تاریخ ببینید و سرمشق بگیرید. مگر پیامبرتان به صراحت نفرمود: «حسین منّی و أنا من حسین»؟ و مگر خداوند در قرآنش نفرمود: «در پیامبر برای شما اسوه‌ی حسنه است»؟ اینک من از شما می‌خواهم که مرا سرمشق خود قرار دهید و از من پیروی کنید و از من یاد بگیرید که در مقابل حکومت ستم خم نشوید و نشکنید؛ بلکه بمیرید ولی خفت بیعت با ستمگران را نپذیرید.

آی مردم همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها! کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند. این خون من بهای ماندگاری پیام و کلام و رفتارم. من به هر زبانی که بتوانم فریاد می‌زنم تا مردم را از این خواب خطرناک بیدار کنم و از این ظلمت مهلک برهانم و به مأمن فطرت بازشان گردانم؛ زیرا من قول داده‌ام که خودم را و هر آنچه عزیز می‌دارم و محبوب می‌شمارم را فدیة کنم تا بشریت به اسلام راستین بازگردد و به هدایت و نجات و رستگاری دست یابد.

آری، ای برادر و خواهر مسلمانم! امروز ما راه تاریخی خود را برای «بازگشت به اسلام» با اعتقادی که به کتاب خدا و اهل بیت پیامبرمان گره خورده است و با رهبری وارثی از وارثان حسین (ع) آغاز کرده‌ایم و در این راه پر فراز و نشیب و در این گذرگاه پرنج تاریخ، کاخ‌های سلاطین ستم بر اجساد برادران و خواهرانمان بنا شده است تا میراث حسین (ع) به رغم سرکوب یزیدیان باقی بماند، اما افسوس که این میراث جاودان، هنوز برای بسیاری از مردم شناخته نیست و هنوز ضرورت صیانت از آن را چنان که باید درک نکرده‌اند، در صورتی که باید هر چه زودتر آن را بشناسند و ضرورت صیانت از آن را درک کنند تا این شناخت و درک عمیق، جهان ما را از این رکود فکری و انحطاط فرهنگی نجات دهد و به انتظاری مثبت و سازنده برای ظهور امامان سوق دهد. همه‌ی ما باید به چگونگی انتظارمان برای او بیندیشیم و بدانیم که انتظار مطلوب آن است که ما را به حرکت وادارد؛ چه این که در یک جا ایستادن در همان جا ماندن است و ایستادن، آب را کد را می‌گنداند و آب آن جایی که حرکت می‌کند حیات و زندگی می‌بخشد و آن جایی که ساکن می‌ماند، نه تنها متعفن می‌شود، بلکه هر آن چیزی را هم که با او هم‌جواری داشته باشد می‌میراند. بی‌گمان کسی که راه را بشناسد و همیشه پشت سر راهنما حرکت کند، هرگز به بیراهه نخواهد رفت.

برادران و خواهران منتظر! اینک در پرتو رهنمودهای حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی، اسباب حرکت مهیاست و زمینه‌ی شناخت فراهم است. محرم سال ۶۱ هجری گذشت، ولی نهضتی که حسین بن علی (ع) آغاز کرد، همچنان ادامه دارد و مردان عمل هنوز در میدان کارزار خوبی‌ها و بدی‌ها در ستیزند تا با چیرگی بر تاریکی‌ها به روشنایی برسند. اینک هر یک از ما باید از خود پرسیم که کدام طرف این میدان را برمی‌گزینیم؟

با مطالعه در احوال امام حسین (ع) و امام مهدی (ع) به شباهت‌های بسیاری دست پیدا می‌کنیم؛ تا جایی که می‌توانیم بگوییم قیام هر دو بزرگوار از سنت‌های الهی است؛ چنان که حضرت علامه خراسانی در نامه‌ای خطاب به یکی از یاران خود می‌فرماید: «به خدا سوگند مهدی برای چیزی قیام می‌کند که حسین برای آن قیام کرد و هر کس مهدی را یاری کند مانند کسی است که حسین را یاری کرده» (نامه ۹)؛ همچنان که امام حسین (ع) با نثار تمام هستی خود در کنار یاران

وفادارش اسلام محمدی (ص) را زنده کرد، حضرت مهدی (ع) با قیام خود راه جدّش حسین (ع) را ادامه می‌دهد. آن حضرت با زمینه‌سازی یاران واقعی خود و تشکیل حکومت عدل جهانی، به خواست خدا بر ستمگران جورپیشه چیره می‌شود و این همان وعده‌ی تخلف‌ناپذیری است که در قرآن و سنت آمده است. هر چند ما امروز شاهد سنگ‌اندازی‌ها و مانع‌تراشی‌های بسیاری از جانب حاکمان ستمگر و حامیان کوردلشان هستیم، ولی بحمد الله و منتّه با رهبری حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی و به برکت کتاب روشنگر «بازگشت به اسلام»، حرکت‌مان به سوی آرمان مقدّس و والای این کتاب که زمینه‌سازی برای ظهور مهدی (ع) است ادامه دارد و به فضل خداوند کریم و بنا بر وعده‌ی حتمی او به نتیجه خواهد رسید ان شاء الله.

به امید نجات جهان در سایه‌ی حکومت عدل مهدی موعود (ع)

